

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور مروری انتقادی بر سیاست‌های تجاری و ارزی کشور در راستای حمایت از تولید ملی

علی زاهدطلبان*

مهدی خداپرست مشهدی**، احمد صباحی***، محمدرضا لطفعلی‌پور****

چکیده

تاکنون مطالعات نسبتاً معدودی در زمینه بررسی اثر نرخ‌های تعرفه در واردات کل کشور انجام شده که نتایج چندان سازگاری با یکدیگر ندارند. در این مقاله با بررسی ویژگی‌های اصلی سیاست‌های ارزی و تجاری ایران اثر واقعی نرخ‌های تعرفه و ارز در تابع تقاضای واردات را نسبت به متغیرهای توضیحی تولید ناخالص داخلی، قیمت نسبی کالاهای وارداتی، نرخ تعرفه، و قیمت ارز با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) تخمین زده ایم. نتایج مطابق با تئوری است و واردات با تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و با قیمت‌های نسبی، نرخ ارز، و نرخ تعرفه رابطه منفی دارد. ضرایب بلندمدت به دست آمده برای تمامی متغیرها به جز تعرفه معنی دار است که حاکی از خنثایی و فقدان اثر بلندمدت تعرفه‌ها بر تقاضای واردات است. این نتیجه برای ایران، که دارای یکی از حمایتی‌ترین رژیم‌های تعرفه‌ای دنیاست، تناقض آمیز به نظر می‌رسد، اما مروری انتقادی بر عملکرد سیاست تجاری ایران و عدم پشتیبانی آن با سیاست‌های ارزی مناسب نشان می‌دهد

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، alizahedtalaban@gmail.com

** دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، m_khodaparast@um.ac.ir

*** دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، sabahi@um.ac.ir

**** استادگروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، lotfalipour@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۸

که اثر واقعی نرخ‌های تعرفه بسیار کم‌تر از نرخ‌های اسمی است و چنین نتیجه‌ای را تأیید می‌کند. در خاتمه فهرستی از اصلاحات و توصیه‌های سیاستی در راستای حمایت واقعی از تولید ملی نیز ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تابع واردات، سیاست تجاری، موانع تعرفه‌ای، مدل خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی.

۱. مقدمه

سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران طی سالیان متمادی و برحسب ظاهر یکی از حمایتی‌ترین سیاست‌های تجاری ممکن در دنیا بوده است، به نحوی که غالباً ایران را در صدر اقتصادهای حمایت‌گرا نشانده است. رجوع به شاخص‌های بین‌المللی در این زمینه نظیر تجارت فرامرزی و میانگین نرخ تعرفه‌ها مؤید کاربست شدید سیاست‌های حمایتی در ایران است، اما این که آیا این حمایت‌های اسمی واجد تأثیرات بلندمدت در تابع واردات و ایجاد حمایت واقعی از تولید ملی بوده است یا خیر؟ موضوع اصلی این مقاله است. برای این منظور ابتدا ادبیات موضوع در حوزه سیاست تجاری و اثر آن در اقتصاد به اختصار طرح و مطالعات انجام‌شده در این زمینه مرور خواهد شد. سطح حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی از طریق میانگین نرخ‌های تعرفه گمرکی در سطح کل اقتصاد، بخش کشاورزی، و صنعت محاسبه و رتبه مقایسه‌ای ایران در میان کشورهای دنیا نشان داده خواهد شد و به ویژگی‌های سیاست‌های غیرتعرفه‌ای ایران نیز اشاره خواهد شد. سپس، با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی اثر واقعی و بلندمدت نرخ‌های تعرفه و ارز در تابع واردات کشور بررسی و نتایج آن تفسیر و با نقد سیاست‌های تجاری و ارزی و نتیجه‌گیری از آن توصیه‌های سیاستی لازم برای اصلاح وضع موجود ارائه خواهد شد.

۲. ادبیات موضوع

به اعتقاد اقتصاددانان نئوکلاسیک تجارت آزاد بنابر تجربه بسیاری از کشورها «موتور رشد» اقتصادی محسوب می‌شود. بنابراین، حذف یک‌جانبه و چندجانبه محدودیت‌های تجاری را توصیه می‌کنند. آن‌ها در مطالعات خود نشان می‌دهند که حتی اختلالات کوچک تجاری، که دولت بر سر راه معاملات و مبادلات بین‌المللی ایجاد می‌کند، می‌تواند به‌طور اساسی باعث کاهش بهره‌وری سرمایه و در نتیجه، کاهش رشد اقتصادی در یک دوره نسبتاً بلندمدت انتقالی گردد (Lee 1992).

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ... ۱۴۱

برخی دیگر از اقتصاددانان هم چون کالدور (Kaldor 1940) و گراف (Graff 1949) با نظریه‌های فوق مخالف‌اند و با طرح «تعرفه بهینه» (optimum tariff) معتقدند که وضع تعرفه در سطح بهینه می‌تواند برای کشور وضع‌کننده نافع باشد. تعرفه بهینه سطحی از مالیات است که قادر است از طریق بهبود رابطه مبادله و خنثی نمودن تأثیرات منفی مالیات (به دلیل محدودیت تجاری) منافع کشور وضع‌کننده را حداکثر سازد.

کاهش موانع تجاری می‌تواند به کارآیی تخصیص منجر شود و رشد اقتصادی را با ایجاد محیط رقابتی و کاهش هزینه‌ها افزایش دهد، هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است به دلیل کاهش حمایت از برخی صنایع داخلی به کسری تراز پرداخت‌ها منجر شود (Khan and Zahler 1985).

نظریه «سیاست راه‌بردی تجاری» (trade strategic policy) یکی از مهم‌ترین نظریه‌های تجدیدنظرشده متعارف اقتصادی موافق با سیاست تجاری و صنعتی است. این نظریه به جای مفهوم مزیت نسبی بر مفهوم «مزیت رقابتی» تأکید دارد. منظور از مزیت رقابتی این است که مزیت در تولید کالا یا خدمت تنها ریشه در وفور عوامل تولید ندارد، بلکه می‌توان آن را خلق کرد. راه‌کار کسب مزیت تدوین سیاست راه‌بردی تجاری، صنعتی، و به‌کارگیری ابزارهای حمایتی تعرفه‌ای، یارانه صادراتی، مزایای مالیاتی، و طرح‌های همکاری مشترک دولت و صنعت است (کروگمن ۱۳۷۷).

در چهارچوب تئوری‌های رشد درون‌زا امکان وجود رابطه بلندمدت میان سیاست تجاری و رشد اقتصادی به طرق مختلف تشریح گردیده است. با آزادسازی واردات انتظار این است که انتقال تکنولوژی از طریق ورود کالاهای سرمایه‌ای با فناوری بالا و فرایند انتقال تکنولوژی تسهیل گردد. از این رو، استراتژی توسعه صادرات نسبت به استراتژی جاننشینی واردات دارای عملکرد رضایت‌بخش‌تری است (لطفعلی‌پور و دیگران ۱۳۹۱).

۳. مرور مطالعات پیشین

۱.۳ مطالعات داخلی

بیدآباد (۱۳۷۶) در الگوی اقتصادسنجی کلان خویش معادله‌ای برای واردات تصریح کرده است که در آن واردات تابعی از نرخ ارز مؤثر، شاخص قیمت واردات، درآمد ناشی از صادرات کالا و خدمات، تولید ناخالص داخلی، و حساب سرمایه است. نتایج نشان

می‌دهند که نرخ ارز مؤثر و شاخص قیمت واردات تأثیری منفی و تولید و حساب سرمایه تأثیری مثبت در واردات دارند.

پورمقیم (۱۳۷۹) در مطالعه دیگری به برآورد سری زمانی تابع تقاضای واردات ایران برای دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۷۵ پرداخته است. یافته‌های مدل حاکی از آن است که عامل قیمت نسبت به متغیر سطح فعالیت (تولید ناخالص داخلی منهای صادرات) در تابع تقاضای واردات نقش کم‌رنگ‌تری دارد. این نتیجه در حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت تفاوتی ندارد. به‌طور کلی عامل درآمد نقش تعیین‌کننده در تابع تقاضای واردات ایران دارد.

محسنی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری در نه قلم کالای وارداتی منتخب در قالب طبقه‌بندی کالاهای مصرفی، واسطه‌ای، و سرمایه‌ای مبتنی بر رویکرد هم‌انباشتگی انگل - گرنجر طی دوره ۱۳۶۰-۱۳۸۲ می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که با آزادسازی تجاری تقاضای واردات در تمامی گروه کالایی منتخب بیش از یک‌ونیم برابر افزایش می‌یابد، اما بعد از آزادسازی تجاری ترکیب واردات بیش‌تر به سمت کالاهای سرمایه‌ای میل می‌کند.

ابریشمی و دیگران (۱۳۸۵) تأثیر آزادسازی تجاری در صادرات و واردات برخی از کشورهای در حال توسعه منتخب از جمله ایران را با استفاده از داده‌های ترکیبی بررسی کرده‌اند. براساس نتایج این تحقیق صادرات با قیمت‌های نسبی رابطه منفی و با درآمد جهانی رابطه مثبت داشته است. از طرف دیگر، کاهش تعرفه‌های وارداتی و آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنی‌داری در رشد واردات کشورهای در حال توسعه مانند ایران داشته است.

تشکینی و باستانی (۱۳۸۵) به تخمین توابع تقاضای واردات به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای، و مصرفی برای دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۲ با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب (SUR) می‌پردازند. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در قیمت‌های نسبی به ترتیب باعث افزایش واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای، و واسطه‌ای به میزان $1/2$ ، $0/38$ ، و $0/35$ درصد می‌شود. از سویی یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی به ترتیب باعث افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به میزان $0/61$ و $0/21$ درصد می‌شود.

لطفعلی‌پور و دیگران (۱۳۹۱) در مطالعه دیگری برای به‌دست‌آوردن رابطه بین واردات کالاها و آزادسازی تجاری طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۶ از مدل اقتصادسنجی خودرگرسیون با

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ... ۱۴۳

وقفه‌های توزیعی استفاده کرده‌اند. یافته‌های تحقیق مذکور حاکی از آن است که تقاضا برای واردات کالا در ایران نسبت به قیمت‌های نسبی و تولید ناخالص داخلی واقعی در بلندمدت و کوتاه‌مدت با کشش و نسبت به نرخ تعرفه وارداتی بی‌کشش است، در حالی که با آزادسازی کامل تجاری کشش واردات کالاها افزایش خواهد یافت.

صالحیان صالحی نژاد و دیگران (۱۳۹۱) در مطالعه دیگری با استفاده از دو روش غیرخطی مارکف - سوئیچینگ با تغییر رژیم آنی و روش پارامتر زمان - متغیر با تغییر رژیم تدریجی به بررسی پویایی کشش تراز تجاری غیرنفتی نسبت به نرخ ارز برای دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۹ در ایران پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند که تأثیر مثبت نرخ ارز واقعی در تراز تجاری فقط در دوره‌هایی مشاهده می‌شود که نرخ ارز واقعی افزایش یافته است.

ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۳) در مطالعه خود به بررسی تأثیرات موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در تجارت صنعتی ایران با استفاده از مدل تصحیح خطا پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در بلندمدت بر تجارت صنعتی ایران مؤثر است حال آن‌که این موانع در کوتاه‌مدت تأثیر معنی‌داری در صادرات و واردات بخش صنعت ندارند.

۲.۳ مطالعات خارجی

هوتاکر و مگی (Houthakker and Magee 1969) در مطالعه مشترک خود از الگوی زیر برای تابع واردات استفاده کرده‌اند که به شرح زیر است:

$$\text{Log}(M_{it}) = A_{0t} + A_{1t} \text{Log}(Y_{it}) + A_{2t} \text{Log}\left(\frac{PM_{it}}{WP_{it}}\right) + U_{it}$$

که در تابع واردات فوق M_{it} واردات نامین کشور، Y_{it} شاخصی از تولید ناخالص ملی کشور واردکننده، و PM_{it} و WP_{it} نیز به ترتیب شاخص قیمت واردات به نامین کشور و شاخص قیمت عمده‌فروشی در کشور واردکننده است و در ادامه مدل تقاضای واردات پویای زیر تصریح شده است:

$$\text{Log}(M_t) = D_0 + D_1 \text{Log}(M_{t-1}) + D_2 (\text{Log}Y_t - \text{Log}Y_{t-1}) + D_3 (\text{Log}P_t - \text{Log}P_{t-1}) + e_t$$

نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از آن است که واردات رابطه معکوس با قیمت‌های نسبی و رابطه مثبت با درآمد (تولید داخلی) دارد.

خان (Khan 1974) در مطالعه خود در مورد پانزده کشور در حال توسعه تقاضای واردات در این کشورها را به عنوان تابعی از قیمت‌های نسبی و درآمد واقعی داخلی در حالت تعادلی و عدم تعادل استخراج نمود و به این نتیجه رسید که قیمت‌های نسبی و درآمد داخلی واقعی نقش بسیار مهمی در رفتار تقاضای واردات کشورهای در حال توسعه دارند.

دین و دیگران (Dean et al. 1994) درآمد مالیات بر واردات را قبل و بعد از انجام اصلاحات تجاری بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که به دنبال سیاست‌های آزادسازی رشد واردات افزایش یافته است، اما به طور قطع نمی‌توان بر یک رابطه محکم بین آزادسازی تجاری و رشد واردات، آن هم بر پایه کاهش تعرفه‌های وارداتی، تأکید نمود.

داتا و احمد (Dutta and Ahmed 2001) در مطالعه‌ای به بررسی رفتار جمعی تابع تقاضای واردات برای هند طی دوره زمانی ۱۹۷۱-۱۹۹۵ مبتنی بر رویکرد نوین هم‌انباشتگی یوهانسون و مدل‌سازی تصحیح خطا پرداختند. نتایج برآورد شده معادله کوتاه‌مدت برای واردات حاکی از آن است که تابع واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی حقیقی حساس‌تر بوده و نسبت به تغییرات قیمت وارداتی از حساسیت پایینی برخوردار است.

سانتوز و پائولینو (Santos and Paulino 2002) اثر کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را بر واردات ۲۲ کشور در حال توسعه با استفاده از تکنیک‌های پویای داده‌های پانل در طی سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۹۷ بررسی کردند. نتایج مطالعه حاکی از این است که تعرفه‌های واردات به کاهش رشد واردات منجر می‌شود، اما این اثر باتوجه به کشور و نوع رژیم سیاست تجاری موجود در آن متفاوت است.

جونز (Jones 2008) باتوجه به داده‌های آماری دوره ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۴ م و با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل داده‌های تلفیقی و در چهارچوب یک مدل رقابت ناقص به تخمین کشش‌های تقاضای واردات برای ده کشور آفریقایی پرداخت. نتایج مطالعه او نشان داد که تابع تقاضای کل واردات در سطح کشوری تقریباً باکشش بوده است، هرچند میزان کشش تقاضای کل واردات کشورها چندان بیش‌تر از کشش واحد نیست.

آریز و نیپانی (Arize and Nippani 2010) در مطالعه خود به بررسی رفتار تقاضای واردات در اقتصادهای آفریقا (کنیا، نیجریه، و آفریقای جنوبی) با استفاده از داده‌های فصلی در طی دوره ۱۹۷۳-۲۰۰۵ پرداختند و از مدل تصحیح خطای پویا (dynamic error-correction model) استفاده نمودند. نتایج نشان داد یک رابطه تعادلی بلندمدت بین واردات واقعی با درآمد واقعی، قیمت نسبی، و ذخایر ارز خارجی وجود دارد.

هوکو و یوسوپ (Hoque and Yusop 2010) در مطالعه خود اثر آزادسازی تجاری را روی واردات کل کالاها در بنگلادش با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) در طی دوره ۱۹۷۲-۲۰۰۵ م بررسی کردند. نتایج تجربی نشان داد که آزادسازی تجاری از طریق کاهش نرخ تعرفه واردات کل را در کوتاه‌مدت افزایش می‌دهد، اما در بلندمدت ضریب آن بی‌معنی و کوچک است.

میکا (Micah 2015) به بررسی تأثیرات آزادسازی‌های تجاری در تقاضای واردات با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی در اوگاندا پرداخته است. نتایج مطالعه مذکور نشان می‌دهد که یک ارتباط هم‌بسته بین واردات این کالاها و متغیرهای قیمت نسبی واردات، تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ حقیقی مؤثر ارز، نرخ ذخایر ارزهای خارجی، و درجه بازبودن تجارت وجود دارد.

۴. سطح حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی در سیاست تجاری ایران

تعرفه‌ها، شبه‌تعرفه‌ها، و اقدامات غیرتعرفه‌ای از جمله متداول‌ترین ابزارهایی‌اند که در سیاست تجاری به کار گرفته می‌شوند. در ایران حمایت از تولید ملی و جلوگیری از واردات بی‌رویه همواره از اهداف اساسی همه برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور و اسناد فرادست قانونی آن نظیر قانون اساسی، سند چشم‌انداز، و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه بوده و از ابزارهای سیاست تجاری حداکثر استفاده ممکن به عمل آمده است. بر این اساس، سطح حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی، که در قالب نرخ‌های تعرفه گمرکی قابل اندازه‌گیری است، عموماً بالا بوده و با سیاست‌های حمایتی غیرتعرفه‌ای نیز تکمیل شده است. برای نشان‌دادن این موضوع ذیلاً مهم‌ترین ویژگی‌های اصلی سیمای سیاست‌های تجاری ایران را از نظر سطح و میزان حمایت‌ها به تفکیک در دو حوزه سیاست‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۱.۴ سیاست‌های تعرفه‌ای

حمایت‌های اسمی نرخ‌های تعرفه‌ای بالا از بارزترین ویژگی‌های سیاست تعرفه‌ای کشور محسوب می‌شوند. برای نشان‌دادن این موضوع به بررسی وضع موجود و وضعیت مقایسه‌ای نرخ‌های تعرفه گمرکی در ایران و جهان در سطح کل اقتصاد و به تفکیک دو بخش کشاورزی و صنعت و هم‌چنین شاخص تجارت فرامرزی پرداخته‌ایم که خلاصه

نتایج آن در جداول ۱ تا ۳ پیوست مقاله ارائه شده است. جدول ۱ روند تغییرات میانگین ساده نرخ‌های تعرفه (حقوق ورودی) کشور در سطح کل اقتصاد و به تفکیک دو بخش کشاورزی و صنعت از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶ را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول مذکور ملاحظه می‌شود، میانگین نرخ‌های تعرفه به‌جز دو ساله اخیر از روندی نسبتاً کاهنده برخوردار بوده است. باین‌حال، برای نشان‌دادن وضعیت مقایسه‌ای نرخ‌های تعرفه کشور با سایر کشورهای جهان با استفاده از داده‌های موجود در پایگاه داده‌های تعرفه‌ای سازمان جهانی تجارت اطلاعات و آخرین آمار قابل‌دست‌رس برای نرخ‌های تعرفه سایر کشورهای جهان، متشکل از ۱۴۶ کشور استخراج گردید و از میان آن‌ها فهرست بیست کشور اول جهان، که از بالاترین نرخ‌های تعرفه برخوردار بودند، به تفکیک در سه سطح کل اقتصاد، بخش کشاورزی، و بخش صنعت تنظیم و مرتب گردید و سپس با توجه به میانگین نرخ‌های تعرفه ایران در سال مشابه برای هر یک از بخش‌های مذکور رتبه ایران در میان آن‌ها تعیین گردید که نتایج این بررسی‌ها در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. همان‌طور که از جداول مذکور مشخص است، با وجود کاهش‌هایی که در نرخ‌های تعرفه ایران در یک دهه اخیر به‌وقوع پیوسته است اقتصاد ایران در زمینه حمایت‌های اسمی تعرفه‌ای در زمره بسته‌ترین اقتصادهای دنیا قرار دارد و در سال ۲۰۱۶ م / ۱۳۹۵ ش هم در سطح کل اقتصاد و هم در بخش صنعت حائز رتبه دوم و در بخش کشاورزی حائز رتبه هشتم جهان شده است. بنابراین، سیاست‌های تعرفه‌ای اتخاذشده در جمهوری اسلامی ایران برحسب ظاهر یکی از حمایتی‌ترین سیاست‌های تجاری ممکن در دنیا بوده است، به‌نحوی که ایران را در صدر اقتصادهای حمایت‌گرا با بیش‌ترین سطح حمایت‌های اسمی تعرفه‌ای نشانده است. هم‌چنین، براساس گزارش سال ۲۰۱۸ م بانک جهانی درخصوص شاخص بین‌المللی سهولت کسب‌وکار (doing business) ایران در زیرشاخص تجارت فرامرزی حائز رتبه ۱۶۶ از میان ۱۹۰ کشور جهان شده است که حاکی از وضعیت نامناسب هزینه‌های مبادلاتی از جمله نرخ‌های تعرفه بالا در تجارت خارجی کشور است.^۱

۲.۴ سیاست‌های غیرتعرفه‌ای

استفاده وسیع و متواتر از ابزارهای غیرتعرفه‌ای نظیر محدودیت‌ها، سهمیه‌بندی، ممنوعیت‌ها، و سیستم مجوزهای ورود از گذشته تاکنون نقش حائز اهمیت‌تری در ترکیب سیاست‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران داشته است. این اقدامات و موانع تجاری اگرچه به‌دلیل

قوت و اثربخشی فوری آن در تحصیل اهداف تجاری عموماً جذابیت زیادی برای سیاست‌گذاران و مجریان حوزه سیاست تجاری داشته است، اما پی‌آمدها و آثار منفی فراوانی را نیز برای اقتصاد و فضای کسب‌وکار کشور به همراه آورده است که رتبه نازل ایران در شاخص‌های بین‌المللی ذی‌ربط نظیر شاخص سهولت کسب‌وکار انعکاسی از این واقعیت است. ممنوعیت‌ها، مجوزهای ورود، سهمیه‌های ارزی، و مکانیزم تخصیص ارز برای واردات، مجوز عدم ساخت، مابه‌التفاوت سازمان حمایت، و ده‌ها اقدام دیگر از جمله اقدامات غیرتعرفه‌ای است که در قوانین و مقررات و ترکیب سیاست تجاری ایران به‌وفور از آن‌ها استفاده شده است که جدیدترین آن‌ها اعلام ممنوعیت ورود ۱۳۳۹ قلم کالا از اواخر خردادماه ۱۳۹۷ به دلیل محدودیت‌های ارزی است.^۲

۵. بررسی اثر واقعی تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع واردات

بنابه بررسی‌ای که در بند قبل صورت گرفت می‌توان تصدیق کرد که به‌طور اسمی سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای ایران بر محور حمایت‌گرایی‌های مطلق از تولیدات داخلی قرار داشته است. برای بررسی اثر واقعی حمایت‌های اسمی تعرفه‌ای با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و مبانی نظریه تقاضا تابع تقاضای واردات کل را تخمین زده‌ایم که در آن اثر نرخ‌های تعرفه به‌عنوان یک متغیر توضیحی درکنار سایر متغیرها از جمله متغیر نرخ ارز وارد مدل تابع تقاضای واردات شده و ضرایب آن مورداندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مدل مورد استفاده و نتایج آن در زیر ارائه شده است.

۱.۵ تصریح مدل اقتصادسنجی برآورد تابع تقاضای واردات

تخمین مدل تقاضای واردات از روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی (Auto Regressive Distributed Lag/ ARDL) صورت گرفته است. آمار، اطلاعات، و داده‌های موردنیاز از بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، و گمرک جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری و از نرم‌افزار Eviews استفاده شده است. دوره زمانی موردبررسی سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۹۴ و شکل مناسب مدل نیز لگاریتم خطی است تا بتوان کشش‌ها و حساسیت هریک از آن‌ها را محاسبه نمود.

باتوجه به مبانی نظریه تقاضای مصرف‌کننده و باعنایت به این که میزان تقاضا به‌طور کلی متأثر از دو عامل اصلی قیمت و درآمد واقعی است، تصریح مدل تقاضای واردات از

روش هم‌گرایی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی و با لحاظ اثر موانع تعرفه ای و نرخ ارز به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

$$\begin{aligned} \Delta LIM_t = & \beta_0 + \sum_{i=1}^p \beta_{1i} \Delta LIM_{t-i} + \sum_{i=0}^q \beta_{2i} \Delta LGDP_{t-i} + \sum_{i=0}^r \beta_{3i} \Delta LRIP_{t-i} \\ & + \sum_{i=0}^s \beta_{4i} \Delta LNOEX_{t-i} + \sum_{i=0}^m \beta_{5i} \Delta LTAR_{t-i} + \beta_6 LIM_{t-1} \\ & + \beta_7 LGDP_{t-1} + \beta_8 LRIP_{t-1} + \beta_9 LNOEX_{t-1} + \beta_{10} LTAR_{t-1} \\ & + u_t \end{aligned} \quad (1)$$

که در آن L نماد لگاریتم طبیعی، LIM ارزش واقعی واردات برحسب قیمت‌های ثابت GDP ارزش واقعی تولید ناخالص داخلی برحسب قیمت‌های ثابت (۱۳۸۳=۱۰۰)، RIP قیمت نسبی کالاهای وارداتی به قیمت‌های داخلی (نسبت شاخص قیمت کالاهای وارداتی به شاخص قیمت مصرف‌کننده)، NOEX قیمت ارز در بازار غیررسمی (برحسب دلار آمریکا)، TAR میانگین نرخ تعرفه وصولی از کالاهای وارداتی (از محاسبه نسبت مجموع ارزش حقوق گمرکی وصول شده از کالاهای وارداتی به ارزش کل واردات کالایی در هر سال)، $\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4$ و β_5 ضرایب پویای کوتاه‌مدت، و $\beta_6, \beta_7, \beta_8$ ضرایب بلندمدت اند و u_t جمله اختلال تصادفی است. p, q, r, s و m وقفه متغیرهای وابسته و توضیحی مدل اند که با آماره AIC آکائیک مدل بهینه (صرفه‌جو) انتخاب می‌شود. هم‌چنین، مدل تصحیح خطا به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$\begin{aligned} (\Delta LIM_t = & \alpha_0 + \sum_{i=1}^p \alpha_{1i} \Delta LIM_{t-i} + \sum_{i=0}^q \alpha_{2i} \Delta LGDP_{t-i} + \sum_{i=0}^r \alpha_{3i} \Delta LRIP_{t-i} \\ & + \sum_{i=0}^s \alpha_{4i} \Delta LNOEX_{t-i} + \sum_{i=0}^m \alpha_{5i} \Delta LTAR_{t-i} + \rho ECM_{t-1} \\ & + e_t \end{aligned} \quad (2)$$

که در آن ρ پارامتر سرعت تعدیل و ECM باقی‌مانده‌هایی است که از مدل هم‌گرایی تخمین زده شده در معادله فوق به دست می‌آید.

۲.۵ نتایج تجربی و تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج تجربی حاصل از برآورد مدل شامل آزمون ریشه واحد، آزمون هم‌جمعی، و تخمین ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرها به شرح زیر بوده است:

۱.۲.۵ آزمون ریشه واحد

نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته در جدول ۴ برای دو مدل با عرض از مبدأ و روند زمانی برای دو حالت سطح و تفاضل مرتبه اول در پیوست مقاله ارائه شده است. همان‌طور که در بخش ۱ جدول مشاهده می‌شود در حالت سطح و مدل با عرض از مبدأ فرضیه ریشه واحد تنها برای متغیر واردات رد می‌شود، در حالی که این فرضیه در سایر متغیرهای تحقیق در سطوح مرسوم آماری رد نمی‌شود. بنابراین، تمامی متغیرها به جز واردات در سطح دارای ریشه واحدند یا به عبارت دیگر، در سطح $I(1)$ قرار دارند، اما در تفاضل مرتبه اول تمامی متغیرها پایا هستند و به عبارت دیگر، فرضیه ریشه واحد برای تمامی آن‌ها رد می‌شود. در بخش ۲ جدول ۴ نتایج آزمون ریشه واحد برای مدل با عرض از مبدأ و روند زمانی برای دو حالتی که متغیرها در سطح و تفاضل مرتبه اول (یا به صورت نرخ رشد) قرار دارند ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، فرضیه وجود ریشه واحد در حالت سطح فقط برای متغیر نرخ تعرفه رد می‌شود، اما وقتی متغیرها به صورت تفاضل مرتبه اول اند این فرضیه برای تمامی متغیرها در سطح خطای یک درصد رد می‌شود، بنابراین تمامی متغیرهای تحقیق در تفاضل مرتبه اول پایا هستند. به طور کلی، می‌توان گفت که تمامی متغیرهای مدل در سطح $I(1)$ قرار دارند، بنابراین نمی‌توان با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی این مدل را برآورد کرد، چون به خاطر وجود ریشه واحد در متغیرهای مورد بررسی هیچ‌گونه قطعیتی در مورد وجود رابطه بلندمدت بین تقاضای واردات و متغیرهای توضیحی وجود ندارد. به منظور بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحقیق باید فرضیه وجود هم‌جمعی بین متغیرهای تحقیق آزمون شود. در این تحقیق از روش آزمون باندهای ARDL برای آزمون وجود هم‌جمعی (cointegration) بین متغیرهای تحقیق استفاده شده است.

۲.۲.۵ آزمون هم‌جمعی

برای تخمین مدل ۱ با روش ARDL وقفه‌های بهینه را برای متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی با استفاده از آماره آکائیک مشخص کردیم. نتایج آماره آکائیک برای بیست مورد از بهترین تخمین‌ها نشان داد که مدل $ARDL(1, 4, 4, 3, 1)$ دارای کم‌ترین مقدار عددی آماره آکائیک بوده است و به عنوان مدل بهینه انتخاب می‌شود. بر این اساس، تعداد وقفه بهینه برای متغیر وابسته واردات برابر یک برای تولید ناخالص داخلی واقعی (GDP)، نرخ ارز بازار غیررسمی، قیمت نسبی کالاهای وارداتی، و نرخ تعرفه به ترتیب برابر ۴، ۴، ۳ و ۱ خواهد

بود. هم‌چنین، براساس تعداد وقفه‌های منتخب مدل ARDL بهینه را با روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده‌ایم. به‌منظور بررسی وجود رابطه هم‌جمعی یا همان رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحقیق از آزمون F استفاده کرده‌ایم که نتایج مربوطه در جدول ۵ در پیوست مقاله ارائه شده است. همان‌طور که از جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقدار آماره F برابر $4/875$ است. از آن‌جاکه با ترکیبی از متغیرهای $I(0)$ و $I(1)$ مواجه‌ایم، بنابراین بایستی مقدار آماره آزمون از باند بالای مقادیر بزرگ‌تر باشد تا فرضیه عدم وجود رابطه هم‌جمعی در سطوح مرسوم آماری رد شود. در این جدول ما مقادیر بحرانی را برای دو حد بالا و پایین برای سه حجم نمونه ۱۰۰۰ تا ۵۵ (نمونه نامحدود)، ۵۵ تا ۵۰، و ۵۰ تا ۵۱ (نمونه نامحدود) مشاهده داریم که بین دو حجم نمونه ۵۵ و ۵۰ قرار می‌گیرد. برای اطمینان بیش‌تر از مقادیر بحرانی نمونه با حجم ۵۵ مشاهده برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنیم. مقدار آماره بحرانی در سطح پنج درصد خطای آماری برابر $4/334$ است. بر این اساس، مقدار آماره آزمون از مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد بزرگ‌تر است و بنابراین فرضیه عدم وجود رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای تحقیق در سطح ۵ درصد خطای آماری رد می‌شود.

۳.۲.۵ تخمین ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت

نتایج تخمین ضرایب بلندمدت (کشش) در بخش الف، ضرایب کوتاه‌مدت در بخش ب، و آزمون‌های تصریح خطا (الگوی ECM)، که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آن‌ها ارتباط می‌دهد، در بخش ج جدول ۶ در پیوست مقاله ارائه شده است. نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس (آزمون ARCH)، خودهم‌بستگی سریالی (آزمون LM)، و آزمون ژارک-برا (Jarque-Bera) به ترتیب حاکی از پذیرش فرضیه عدم وجود ناهمسانی واریانس، عدم وجود خودهم‌بستگی سریالی، و نرمال‌بودن توزیع جمله خطای رگرسیون برآوردشده با روش ARDL است. مقدار آماره آزمون رمزی (Ramsey) حاکی از پذیرش فرضیه تصریح درست مدل تحقیق است. هم‌چنین مقدار آماره R^2 برابر $0/73$ و مقدار R^2 تعدیل‌شده برابر $0/65$ حاکی از قدرت توضیح‌دهندگی نسبتاً بالای متغیرهای توضیحی مدل است.

۳.۵ تفسیر نتایج مدل

نتایج برآورد ضرایب بلندمدت در بخش الف جدول ۶ نشان می‌دهد که تمامی متغیرها دارای علامت موردانتظارند. ضرایب متغیرهای GDP واقعی، نرخ ارز بازار آزاد، و شاخص

قیمت نسبی واردات در سطح ۱ درصد خطای آماری معنی‌دار است، بنابراین این متغیرها تأثیرات بلندمدت در تقاضا برای واردات در اقتصاد ایران دارند. ضریب متغیر نرخ تعرفه در هیچ‌یک از سطوح مرسوم معنی‌دار نیست و بنابراین این متغیر تأثیر بلندمدت در تقاضا برای واردات نخواهد داشت. براساس ضرایب برآوردشده انتظار می‌رود با فرض ثبات سایر عوامل یک درصد رشد در GDP واقعی منجر به رشد $1/793$ درصد در تقاضای برای واردات در بلندمدت شود. این یافته نشان می‌دهد کاهش درآمدی تقاضای واردات در اقتصاد ایران بزرگ‌تر از یک است و به‌نوعی کالای لوکس محسوب می‌شود. مقدار عددی ضریب متغیر (لگاریتم) نرخ ارز بازار غیررسمی برابر $0/142-$ است. بر این اساس، انتظار می‌رود با فرض ثبات سایر عوامل اگر نرخ ارز در بازار آزاد یک درصد رشد کند تقاضا برای واردات $0/142$ درصد کاهش یابد. مقدار عددی ضریب متغیر (لگاریتم) قیمت نسبی برابر $0/461-$ است. بر این اساس، انتظار می‌رود با فرض ثبات سایر عوامل اگر قیمت نسبی واردات یک درصد رشد کند تقاضا برای واردات $0/461-$ درصد کاهش یابد.

در بخش ب جدول ۶ نتایج تخمین ضرایب مدل تصحیح خطا (تأثیرات کوتاه‌مدت) ارائه شده است. همان‌طورکه ملاحظه می‌شود، تمامی متغیرها تأثیرات کوتاه‌مدت در تقاضای واردات دارند. براساس نتایج تخمین اگر یک واحد به رشد نرخ تعرفه اضافه شود، در کوتاه‌مدت به کاهش $0/357$ واحدی از رشد تقاضا برای واردات منجر می‌شود، درحالی‌که این متغیر در بلندمدت تأثیری در تقاضا برای واردات در اقتصاد ایران ندارد. همچنین، ضریب جمله خطا $0/449-$ است که در سطح یک درصد خطای آماری معنی‌دار است. بر این اساس، چنان‌چه شوکی به واردات وارد شود و آن را از مسیر بلندمدت منحرف کند با پویایی‌های دو متغیر تمامی متغیرهای توضیحی در دوره بعد به میزان $44/9$ درصد از انحراف ایجادشده تصحیح و تقاضا برای واردات به مسیر بلندمدت نزدیک‌تر می‌شود که حاکی از سرعت تعدیل آن است.

۶. نقد و بررسی دلایل اصلی ضعف حمایت‌های واقعی از تولید

همان‌طورکه در قسمت‌های قبل دیدیم حمایت‌های اسمی از تولیدات داخلی با اعمال نرخ‌های تعرفه بالا و به‌کارگیری ابزارهای غیرتعرفه‌ای نقش پررنگی در سیاست‌های تجاری ایران داشته و دارد، به‌نحوی‌که در حال حاضر ایران از نظر بالابودن نرخ حمایت‌های تعرفه‌ای در هر دو حوزه کشاورزی و صنعت تقریباً در صدر کشورهای جهان قرار دارد. از طرفی در

مدل رگرسیون برآورد شده برای تابع تقاضای واردات نشان داده شد که نرخ‌های تعرفه فاقد اثر بلندمدت در تابع مذکور بوده‌اند. این نتیجه برای ایران، که دارای یکی از حمایتی‌ترین رژیم‌های تعرفه‌ای دنیاست (در حال حاضر رتبه دوم) تناقض آمیز به نظر می‌رسد. اکنون پرسش اساسی آن است که چرا سیاست‌های تعرفه‌ای کشور با وجود وزن سنگین خود در مقایسه با سایر کشورهای جهان فاقد تأثیرات بلندمدت در رفتار تابع واردات کشور بوده است و خنثایی آن مورد تصدیق نتایج این مطالعه و برخی از مطالعات مشابه دیگر قرار دارد؟ اشکالات و کاستی‌های سیاست تجاری ایران کدام‌اند و از چه نکات اساسی و مهم دیگری غفلت شده که فقدان آن‌ها سیاست تجاری کشور را عقیم و بی‌ثمر ساخته است؟ می‌توان پاسخ به این سؤال را در سه محور کلی شامل نقد سیاست‌های ارزی، ناکارآمدی سیاست‌های تجاری، و ناکارآمدی سایر سیاست‌ها مورد بررسی قرار داد که در زیر به اختصار ذکر می‌شوند.^۴

۱.۶ سیاست‌های ارزی نامناسب

هیچ سیاست تجاری در خلاً عمل نمی‌کند و شرط موفقیت آن مانند هر سیاست اقتصادی دیگری پشتیبانی و حمایت با مجموعه‌ای از سیاست‌های تکمیلی دیگر نظیر سیاست‌های مالی، پولی، و به‌ویژه سیاست ارزی است. نرخ ارز مهم‌ترین حلقه واسط ارتباط اقتصادی یک کشور با جهان پیرامون است و تنظیم درست آن متناسب با توان تولیدی و اقتصادی کشور نقش بی‌بدیلی را در جهت‌دهی به الگوی تجارت خارجی دارد و یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی قدرت رقابت قیمتی کشورها در واردات و صادرات است. انتخاب نظام ارزی مناسب و چگونگی تعیین نرخ ارز از موضوعاتی است که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی به فراخور تغییر شرایط اقتصادی کشور دست‌خوش نوسانات متعددی در حوزه سیاست‌گذاری بوده و همواره محل اختلاف‌نظرهای جدی میان سیاست‌گذاران و کارشناسان اقتصادی بوده است. انتخاب نظام‌های ارزی گوناگون در طول برنامه‌های توسعه کشور، تذبذب میان سیاست‌های کنترل دستوری نرخ ارز، و نرخ ارز شناور بازتابی از بی‌ثباتی سیاست‌های ارزی کشور و البته شرایط گوناگون و مختلف حاکم بر اقتصاد کشور نظیر جنگ تحمیلی، سقوط قیمت نفت، وفور درآمدهای نفتی، تحریم‌های اقتصادی، و سایر شوک‌های سیاسی و اقتصادی دیگر است. با این‌که رژیم ارزی ایران، که تا اوایل دهه ۱۳۸۰ به‌مدت چند دهه کاملاً تحت کنترل دولت بود، از ابتدای این دهه به شناور مدیریت شده

تغییر یافت، اما تمایل شدید دولت‌ها به تثبیت نرخ اسمی ارز بنابه ملاحظات سیاسی داخلی باعث شد تا در عمل رژیم ارزی ایران در حرکت روندی خود ویژگی‌های یک رژیم ارزی ثابت و غیر منعطف را داشته باشد و جز در مقاطع مختلف و از سر اجبار ناشی از شوک‌های عرضه یا تقاضا تن به اصلاحات تدریجی ندهد. این موضوع تبعات گسترده و عمیقی را از طریق مکانیزم قیمت‌های نسبی بر تولیدات داخلی و خارجی و تضعیف مداوم قدرت رقابت‌پذیری تولیدات داخلی و صادراتی به دنبال داشته است. تأثیرات مخرب سیاست تثبیت دستوری نرخ ارز و پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ آن به مدد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت بر سیاست تجاری از چندین جهت به تضعیف حمایت‌های اسمی می‌انجامد که عبارت‌اند از:

۱. اضافه ارزش‌گذاری پول ملی و تضعیف بلندمدت صادرات و تشویق واردات: در شرایطی که تفاوت نرخ‌های تورم داخلی و خارجی در برخی سال‌ها به بیش از بیست درصد می‌رسد تثبیت نرخ ارز می‌تواند اثر بسیاری از سیاست‌های تجاری را کاهش داده یا خنثی نماید؛

۲. پایین بودن نرخ حمایت واقعی و اضافه‌نمایی نرخ حمایت اسمی تعرفه‌ها: تثبیت نرخ ارز در قیمت‌هایی کم‌تر از نرخ طبیعی بازار اثر نرخ‌های تعرفه را به میزان شکاف بین نرخ رسمی و بازار آزاد خنثی می‌کند و از کارآمدی آن می‌کاهد. با توجه به این که مبنای محاسبه و تقویم ارزش ریالی کالاهای وارداتی برای اخذ حقوق گمرکی نرخ رسمی ارز قرار دارد، بنابراین نرخ‌های اسمی تعرفه همواره متورم‌تر از نرخ واقعی آن بوده و اضافه‌نمایی دارد که بسته به میزان تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد اثر واقعی نرخ‌های تعرفه به مراتب کم‌تر از اثر اسمی آن خواهد بود. در واقع، تثبیت نرخ ارز به مدد درآمدهای ارزی نفتی در حکم اعمال نوعی تعرفه منفی (یا یارانه به واردات) است که اثر نرخ‌های تعرفه اسمی را خنثی می‌کند و به تضعیف بلندمدت قدرت رقابتی تولیدات داخلی و صادراتی می‌انجامد؛

۳. انتقال شوک‌ها و نوسانات ناشی از درآمدهای نفتی به حوزه سیاست تجاری: این نوسانات و شوک‌ها در کنار سیاست تثبیت نرخ ارز باعث شده است تا همواره سیاست‌های تجاری دنباله‌رو سیاست‌های ارزی باشد و در واقع به مثابه ابزاری برای جبران ناکارآمدی سیاست ارزی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بخش اعظم ناهنجاری‌های سیاست تجاری ایران نظیر بالابودن نرخ‌های تعرفه، بی‌ثباتی سیاست‌های تجاری، استفاده پرتواتر از محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای، و بسیاری از اقدامات اختلال‌زای تجاری دیگر در پرتو این

موضوع قابل تفسیر است که البته به ناکارآمدی، پیش‌بینی ناپذیری، و عدم شفافیت سیاست‌های تجاری منجر شده است؛

۴. ساختار نامناسب بودجه دولت و اثرپذیری نرخ ارز از درآمدهای نفتی: وابستگی مزمن ساختار بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت موجب شده است تا بخش اعظم عرضه ارز که به‌طور طبیعی و در غیاب یک‌چنین منابعی باید از تعادل تراز تجاری کشور یعنی صادرات غیرنفتی و واردات و براساس نرخ‌های برابری حاصل از عرضه و تقاضا تأمین شود، به‌عنوان یک متغیر برون‌زا در خارج از سیستم تجارت خارجی (بدون نفت) تعیین شود. همین عامل به شدت بر پایین نگه‌داشته‌شدن نرخ‌های برابری اسعار خارجی به پول ملی مؤثر بوده و موجب شده است تا پول ملی در برابر ارزهای خارجی به‌شکل تصنعی تقویت شود. درواقع، چنین ساختاری و تزریق ارزهای نفتی تعیین نرخ ارز در سطوحی پایین‌تر از سطح تعادل طبیعی آن را امکان‌پذیر ساخته که به‌منزله دوپینگ نظام ارزی به ضرر تولید داخلی و اعطای قدرت کاذب به پول ملی و در نتیجه تضعیف قدرت رقابت تولیدات داخلی در برابر محصولات انجامیده است.

۲.۶ ناکارآمدی و کاستی‌های سیاست تجاری

صرف‌نظر از موضوع سیاست ارزی راه‌بردها و اقدامات اتخاذشده در حوزه سیاست‌های تجاری در طول سال‌های گذشته دارای نارسایی‌ها و اشکالات متعددی است که به نتایج و دستاوردهای زیان‌باری برای اقتصاد کشور منتهی شده است. رتبه نامناسب کشور در اغلب شاخص‌های بین‌المللی نظیر شاخص توان‌مندسازی تجاری، شاخص سهولت کسب‌وکار، شاخص آزادی اقتصادی، شاخص رقابت‌پذیری، و شاخص عملکرد لجستیک در عمل تا حد زیادی محصول چنین ناکارآمدی‌هایی در حوزه سیاست تجاری است. برخی از این نارسایی‌ها و کاستی‌ها عبارت‌اند از:

۱. بی‌ثباتی نظام تعرفه‌ای و تجاری کشور: بی‌ثباتی و تغییرات پی‌درپی نرخ‌های تعرفه و سیاست تجاری متأثر از فراز و فرود درآمدهای نفتی را می‌توان در زمره آسیب‌زاترین و اختلال‌آفرین‌ترین سیاست تعرفه‌ای کشور دانست که تبعات زیان‌بار و پر دامنه‌ای را برای اقتصاد کشور در بر داشته است. این بی‌ثباتی امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی سلب و پیش‌بینی‌پذیری نظام تجاری ایران را به شدت خدشه‌دار نموده است؛

۲. طولانی‌بودن مدت حمایت‌ها و فقدان عنصر زمان در حمایت‌های تجاری اعطاشده: در هیچ‌یک از سیاست‌های حمایتی کشور از صنایع و محصولات تحت‌حمایت سرانگی از بحث فراغت و بالندگی آن‌ها در یک بازه زمانی معقول مشاهده نمی‌شود و این حمایت‌ها علی‌الدوام، بی‌وقفه، فارغ از نتایج کارکردی آن‌ها، و بدون پایش و نظارت جدی بر دستاوردهای هدف‌گذاری شده اعطا شده است که خود عاملی مهم برای ناکارآمدی و عدم انگیزش کافی برای بهبود مستمر کیفیت و قدرت رقابت‌پذیری محسوب می‌شود. وضعیت صنعت خودروی کشور مثال روشن و نمونه‌بارزی از این دست حمایت‌های بی‌حساب و کتاب و غیرزمان‌مند است که سرنوشت اسفباری را برای آن به‌بار آورده و به ناتوانی‌های ساختاری متعددی منجر شده است؛

۳. عدم استفاده از ابزارهای نوین دفاع تجاری (اقدامات ضدقیمت‌شکنی، حفاظتی، و جبرانی): عموم کشورها در مسیر آزادسازی‌های تجاری و کاهش‌های تعرفه‌ای امکان بهره‌گیری از سازوکارهای دفاع تجاری مؤثری را که در خود نظام تجاری چندجانبه تعبیه شده است دارند. برای ایران که از کانون این تحولات دور بوده است هنوز ردپای روشنی از کاربرد این ابزارها در سیاست تجاری کشور نمی‌توان یافت که نقیصه‌ای مهم در حوزه سیاست‌های تجاری محسوب می‌شود و فقدان آن تمسک به اقدامات نامتعارف تجاری را ناگزیر ساخته است؛

۴. رویکرد سستی به ابزارهای حمایت و عدم توجه کافی به رویکردهای نوین حمایتی: در جهان به‌هم‌پیوسته امروز تقریباً ابزار تعرفه‌ها تدریجاً نقش سستی خود را در ایجاد پوشش‌های حمایتی مؤثر و رقابت‌آفرین برای تولیدات داخلی از دست داده است و کشورها با ورود به بستر همکاری‌های چندجانبه، حضور فعالانه در زنجیره جهانی ارزش، و از طریق ایجاد همکاری‌های فناورانه نسبت به توان‌مندسازی اقتصاد خود مبادرت می‌ورزند. رواج روزافزون و شیوع فوق‌العاده انواع سازوکارها و ترتیبات تجاری منطقه‌ای در قالب اتحادیه‌های گمرکی، مناطق تجارت آزاد، و ترجیحات تجاری خود گواهی بر روند مسلط این پدیده بر مناسبات تجاری کشورها با یک‌دیگر است. دوری ایران از روند تحولات نظام تجاری چندجانبه موجب عدم توسعه‌یافتگی، مانع از بلوغ نسبی سیاست‌های تجاری ایران، و حضور مؤثر در زنجیره جهانی ارزش شده است؛

۵. ساختار متصلب حمایت‌ها و فقدان تعرفه‌های صفر در رژیم تعرفه‌ای ایران: مقایسه ساختار تعرفه‌ای ایران با ساختار تعرفه‌ای کشورهای دیگر جهان نشان از تصلب نسبی

ساختار تعرفه‌های کشور دارد. در حال حاضر هیچ نرخ تعرفه صفری در رژیم تعرفه‌ای کشور وجود ندارد، در حالی که بیش از یک‌چهارم متوسط نرخ‌های تعرفه کشورهای جهان معاف از تعرفه است (International Trade and Market Access Data, WTO.ORG). اثر این تعرفه‌های ایذایی در بخش وسیعی از نهاده‌های تولید به افزایش قیمت تمام‌شده تولیدات داخلی، از دست رفتن قدرت رقابت آن‌ها، و به‌ویژه تضعیف موقعیت رقابتی محصولات صادراتی منجر شده است؛

۶. بلا تکلیفی در تعیین حوزه‌های اولویت‌دار و روزمرگی در تعیین نرخ‌های تعرفه: ابهام در الگوی توسعه به‌ویژه توسعه صنعتی، عدم وجود فهرستی معین از ترجیحات و اولویت‌های بخشی در رشته‌های مختلف تولیدی و صنعتی، ابهام در مزیت‌های نسبی و رقابتی کشور، و اولویت‌های آن از جمله مهم‌ترین ضعف‌های کشور در این حوزه به‌شمار می‌رود؛

۷. فقدان برنامه روشن برای اصلاحات تجاری و عدم حضور جدی در پیمان‌ها و ترتیبات تجاری منطقه‌ای: با وجود این که کشور از حدود یک دهه قبل حضور در چنین ترتیباتی را اراده کرده است، اما تاکنون فاقد یک برنامه روشن و بلندمدت برای حضور فعالانه در چنین موافقت‌نامه‌ها، پیمان‌ها، و مجامعی است؛

۸. بالابودن تعرفه‌ها در بخش‌های رقابت‌پذیر تولید داخلی: نرخ‌های تعرفه بالا برای محصولات نظیر فرش دست‌باف، زعفران، خرما، پسته، و بسیاری دیگر از مرکبات که جزو اقلام عمده صادراتی کشور محسوب می‌شوند و گاه کشور در تولید جهانی آن‌ها از سهم انحصاری و قابل توجهی برخوردار است هیچ توجیه منطقی ندارد. خاطر نشان می‌شود که تجارت درون صنعت پدیده‌ای شایع در جهان معاصر به‌شمار می‌آید که بیش‌تر ناشی از تفاوت ساختار هزینه بنگاه‌ها، تمایز کالاها، و اختلاف سلیقه مصرف‌کنندگان است که در عین حال بازبودن پنجره رقابت را در همه حوزه‌ها تضمین می‌کند و علاوه بر افزایش رفاه مصرف‌کنندگان موجبات ارتقا و بهبود مداوم کیفیت را نیز فراهم می‌سازد؛

۹. تأثیرات لابی‌گری و گروه‌های فشار در تعیین تعرفه‌ها در غیاب برنامه‌های استراتژیک و راه‌بردی: در غیاب برنامه‌های بلندمدت و شفاف برای حمایت تجاری و تعرفه‌ای از صنایع اولویت‌دار نقش لابی‌گری‌ها و گروه‌های فشار در تعیین روزمره تعرفه‌ها افزایش می‌یابد. این موضوع خود موجب رانت جویی و بروز زمینه‌های فساد در نظام اداری و بوروکراتیک می‌شود که مفسد و تبعات زیان‌بار متعددی را به دنبال دارد؛

۱۰. عدم نگاه منطقی به موضوع قاچاق و تجارت از مسیرهای غیررسمی در تنظیم تعرفه‌ها: قاچاق کالاهای وارداتی در ایران طی سال‌های اخیر به مقیاس‌های گسترده و بی‌سابقه‌ای دست یافته است که علاوه بر این که پی‌آمدها و تبعات سوء و ناگوار فراوانی را در حوزه‌های مختلف به هم‌راه آورده است، اثربخشی سیاست‌های تجاری کشور را نیز خنثی و زائل نموده است. در این خصوص، اثر سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای و قوانین و مقررات نامناسب را در ترویج و تشدید این پدیده نمی‌توان نادیده گرفت.

۳.۶ نارسایی سایر سیاست‌های مکمل سیاست تجاری

در سایر حوزه‌ها نیز ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌های متعدد دیگری وجود دارد که اثربخشی و انسجام سیاست‌های تجاری با سیاست‌های اقتصادی دیگر را خدشه‌دار می‌نماید. از این میان، می‌توان از سیاست‌های مربوط به مناطق آزاد تجاری، ضعف استانداردها، نظام فنی حاکم بر تجارت خارجی، ناکارآمدی، و عدم بلوغ سیاست‌های مالیاتی به‌عنوان ابزارهای جانشین تعرفه در بسیاری از حوزه‌ها نام برد.

۷. نتیجه‌گیری، پیشنهادهای سیاستی

مهم‌ترین عامل خنثایی و بی‌تأثیری سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای کشور در تجارت خارجی و ایجاد حمایت‌های واقعی از تولید را باید در نامناسب بودن سیاست‌های ارزی و اضافه‌نمایی نرخ‌های تعرفه اسمی نسبت به حمایت‌های واقعی ناشی از تثبیت نرخ ارز، انتقال شوک‌ها، و نوسانات ناشی از درآمدهای نفتی، بی‌ثباتی نظام تجاری و تعرفه‌ای، حمایت‌های بی‌قید و شرط و طولانی، فقدان تدابیر دفاع تجاری مؤثر، رویکرد سستی به مقوله حمایت، نامتناسب بودن ساختار تعرفه‌ها، فقدان اولویت‌بندی صنایع هدف، عدم حضور جدی در ترتیبات تجاری منطقه‌ای، عدم شفافیت و تأثیرات لابی‌گری گروه‌های فشار، تجارت از مسیرهای غیررسمی، قاچاق، ناکارآمدی، و عدم بلوغ سیاست‌های مالیاتی کشور به‌عنوان مجموعه سیاست‌های مکمل سیاست تجاری دانست. برای این منظور و در راستای اصلاح وضع موجود مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی در این زمینه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. اجرای کامل ماده ۱۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه مبنی بر واریز افزایشی بخشی از درآمدهای ارزی به حساب صندوق توسعه ملی و دور نگه‌داشتن منابع آن از سرریز در بودجه دولت و تجارت خارجی؛
 ۲. تعهد جدی به سیاست نرخ شناور مدیریت‌شده ارز و اجتناب از تثبیت دستوری آن؛
 ۳. ایجاد هماهنگی و انسجام میان سیاست‌های اقتصادی، مالی، ارزی، و تجاری؛
 ۴. استفاده از سازوکارها و ابزارهای نوین دفاع تجاری هم‌چون اقدامات ضدقیمت‌شکنی، عوارض جبرانی، و اقدامات حفاظتی؛
 ۵. تمرکز حمایت‌های تجاری بر بخش‌ها و حوزه‌های ویژه در چهارچوب سیاست استراتژیک تجاری متناسب با ظرفیت‌ها و توانایی‌های اقتصاد ملی؛
 ۶. ایجاد ثبات اقتصادی و افزایش شفافیت در محیط کسب‌وکار؛
 ۷. اصلاح قوانین، مقررات، نهادهای اختلال‌زا، و ثبات‌زدا از حوزه سیاست‌های تجاری کشور؛
 ۸. رویکرد جدید به مقوله سیاست تجاری مدرن در بستر زنجیره جهانی ارزش و تمرکز بر کاهش هزینه‌های مبادله؛
 ۹. رویکرد مشارکت‌جویانه به همکاری‌های تجاری و حضور مؤثر در پیمان‌های تجاری منطقه‌ای با کشورهای پیرامونی؛
 ۱۰. استفاده کارآمد از نظام مالیاتی، نظام فنی، و توسعه کاربردهای آن در تجارت خارجی؛
 ۱۱. اجتناب از حمایت‌های تجاری و تعرفه‌ای سراسری و بدون زمان‌بندی مشخص و بی‌ضابطه در جهت افزایش کارآمدی بنگاه‌ها؛
 ۱۲. مبارزه جدی با قاچاق کالا و کاهش نرخ‌های تعرفه در محصولات قاچاق‌پذیر.
- شایان ذکر است که در شرایط حاضر با خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه این کشور مهم‌ترین نگرانی و بیمی که از خطرهای این اقدام متوجه نظام اقتصادی و تجاری کشور می‌شود افزایش هزینه‌های مبادله و تحمیل تورم وارداتی بر اقتصاد کشور است. بدیهی است جبران بخشی از چنین تهدیدی با کاهش موانع تجاری و تسهیل تجارت، بدون این‌که در سطح حمایت‌های پیشین خللی ایجاد شود، میسر است و این دقیقاً همان پنجره موقتی است که برای بازنگری و اصلاح سیاست‌های تجاری کشور اکنون در پیش روی ما قرار دارد.

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ... ۱۵۹

جدول ۱. میانگین ساده نرخ‌های تعرفه ایران از سال ۱۳۸۱ به بعد

محصولات صنعتی		محصولات کشاورزی		کل اقتصاد		سال
میانگین ساده	تعداد ردیف‌ها	میانگین ساده	تعداد ردیف‌ها	میانگین ساده	تعداد ردیف‌ها	
۲۷	۴۴۴۰	۲۴/۹۳	۶۷۲	۲۶/۸	۵۱۱۲	۸۱
۳۰/۶	۴۴۴۹	۳۲/۱	۸۰۳	۳۰/۸	۵۲۵۲	۸۲
۲۱/۲۷	۵۷۷۴	۳۰/۶	۹۹۶	۲۲/۶	۶۷۷۰	۸۳
۲۱/۷۳	۶۰۳۳	۳۰/۵	۸۷۳	۲۲/۹	۶۹۰۵	۸۴
۲۵/۱۷	۶۰۷۷	۳۷/۹۷	۸۵۱	۲۶/۷۴	۶۹۲۸	۸۵
۲۴/۹۸	۵۹۰۸	۲۹/۵۲	۸۲۵	۲۵/۵۴	۶۷۳۳	۸۶
۲۴/۶۱	۵۹۳۱	۲۷/۶۱	۸۲۸	۲۴/۹۸	۶۷۵۹	۸۷
۲۴/۵۱	۵۹۹۹	۲۸/۰۸	۸۶۹	۲۴/۹۶	۶۸۶۸	۸۸
۲۴/۹۱	۶۰۳۳	۲۹/۴۸	۸۷۱	۲۵/۴۹	۶۹۰۴	۸۹
۲۴/۹۶	۶۰۵۸	۲۹/۵۱	۸۷۶	۲۵/۵۴	۶۹۳۴	۹۰
۲۵/۲۸	۶۱۵۷	۳۲/۰۴	۹۶۵	۲۶/۲۰	۷۱۲۲	۹۱
۱۷/۷	۶۰۶۳	۲۸/۵	۹۵۶	۱۹/۲	۷۰۱۹	۹۲
۱۸/۲۴	۶۲۸۸	۲۸/۸۳	۹۵۹	۱۹/۶۵	۷۲۴۷	۹۳
۱۷/۱۲	۶۱۷۹	۲۶/۴۳	۱۱۳۰	۱۸/۶۷	۷۳۰۹	۹۴
۲۰/۸۳	۶۲۴۸	۳۱/۷۷	۱۱۳۳	۲۲/۵۱	۷۳۸۱	۹۵
۱۶/۶۶		۲۶/۳۷		۱۸/۱۵		
۱۷/۴۴	۶۴۷۳	۲۸/۸۷	۱۱۸۹	۱۹/۲۱	۷۶۶۲	۹۶

منبع: محاسبات تحقیق از جدول تعرفه‌های مندرج در کتاب مقررات صادرات و واردات سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶. آمارهای ردیف اول نرخ‌های تعرفه در سال ۱۳۹۵ با احتساب سایر عوارض و حقوق ورودی است.

جدول ۲. رتبه مقایسه‌ای جمهوری اسلامی ایران در میان بیست کشور با بالاترین نرخ‌های تعرفه جهان

رتبه	نام کشور	میانگین ساده نرخ تعرفه کاربردی در سطح کل اقتصاد	سال
۱	باهاما	۳۳/۲۲	۲۰۱۶
۲	جمهوری اسلامی ایران	۲۲/۵۱	۲۰۱۶
۳	بوتان	۲۲/۲۹	۲۰۱۵
۴	الجزایر	۱۸/۸۷	۲۰۱۶
۵	جمهوری آفریقای مرکزی	۱۸	۲۰۱۶
۶	مصر	۱۷/۸۸	۲۰۱۶
۷	چاد	۱۷/۸۷	۲۰۱۶
۸	گابن	۱۷/۶۹	۲۰۱۶
۹	اتیوپی	۱۷/۴۱	۲۰۱۵
۱۰	زیمبابوه	۱۷/۳۷	۲۰۱۶
۱۱	کومور	۱۵/۳۲	۲۰۱۵
۱۲	ازبکستان	۱۴/۸۵	۲۰۱۵
۱۳	کره شمالی	۱۳/۹۰	۲۰۱۶
۱۴	زامبیا	۱۳/۹۰	۲۰۱۶
۱۵	بنگلادش	۱۳/۸۷	۲۰۱۶
۱۶	آرژانتین	۱۳/۷۳	۲۰۱۶
۱۷	برزیل	۱۳/۵۳	۲۰۱۶
۱۸	هند	۱۳/۳۹	۲۰۱۶
۱۹	تانزانیا	۱۲/۸۶	۲۰۱۶
۲۰	کنیا	۱۲/۸۱	۲۰۱۶

منبع: درمورد ایران میانگین نرخ تعرفه ایران از جدول تعرفه‌های مندرج در کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۶ محاسبه و درمورد سایر کشورها از اطلاعات و داده‌های منبع زیر استفاده شده است:

International Trade and Market Access Data, WTO. ORG:

<https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/statis_bis_e.htm>.

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ... ۱۶۱

جدول ۳. رتبه مقایسه‌ای جمهوری اسلامی ایران در میان بیست کشور با بالاترین نرخ‌های تعرفه جهان در بخش کشاورزی و صنعت

رتبه	نام کشور	میانگین ساده نرخ تعرفه در بخش کشاورزی	سال	رتبه	نام کشور	میانگین ساده نرخ تعرفه در بخش صنعت	سال
۱	مصر	۶۱	۲۰۱۶	۱	باهاما	۳۵/۵۸	۲۰۱۶
۲	کره جنوبی	۵۶/۸۵	۲۰۱۶	۲	جمهوری اسلامی ایران	۲۰/۸۳	۲۰۱۶
۳	ترکیه	۴۳/۱۸	۲۰۱۶	۳	بوتان	۱۹/۰۴	۲۰۱۵
۴	بوتان	۴۱/۸۳	۲۰۱۵	۴	الجزایر	۱۸/۱۲	۲۰۱۶
۵	نروژ	۳۹/۸۲	۲۰۱۶	۵	آفریقای مرکزی	۱۷/۳۸	۲۰۱۶
۶	سوئیتلند	۳۴/۱۶	۲۰۱۶	۶	چاد	۱۷/۲۷	۲۰۱۶
۷	هند	۳۲/۷۵	۲۰۱۶	۷	گابن	۱۷/۱۱	۲۰۱۶
۸	جمهوری اسلامی ایران	۳۱/۷۷	۲۰۱۶	۸	اتیوپی	۱۶/۶۳	۲۰۱۵
۹	تونس	۳۱/۰۱	۲۰۱۶	۹	زیمبابوه	۱۵/۸۶	۲۰۱۶
۱۰	تایلند	۳۰/۹۵	۲۰۱۵	۱۰	کومور	۱۵/۷۸	۲۰۱۵
۱۱	مراکش	۲۷/۵۷	۲۰۱۶	۱۱	آرژانتین	۱۴/۳۰	۲۰۱۶
۱۲	زیمبابوه	۲۶/۴۴	۲۰۱۶	۱۲	ازبکستان	۱۴/۱۶	۲۰۱۵
۱۳	ایسلند	۲۴/۴۱	۲۰۱۶	۱۳	برزیل	۱۴/۱۲	۲۰۱۶
۱۴	سريلانكا	۲۳/۷۰	۲۰۱۵	۱۴	بنگلادش	۱۳/۳۶	۲۰۱۶
۱۵	الجزایر	۲۳/۳۸	۲۰۱۶	۱۵	زامبیا	۱۳/۰۳	۲۰۱۶
۱۶	آنگولا	۲۳/۲۲	۲۰۱۶	۱۶	ونزوئلا	۱۲/۴۷	۲۰۱۶
۱۷	ناوارو	۲۲/۱۶	۲۰۱۶	۱۷	موریتانی	۱۲/۲۰	۲۰۱۵
۱۸	اتیوپی	۲۲/۰۸	۲۰۱۵	۱۸	پاکستان	۱۱/۸۷	۲۰۱۶
۱۹	چاد	۲۱/۹	۲۰۱۶	۱۹	نپال	۱۱/۷۵	۲۰۱۶
۲۰	گویان	۲۱/۷۷	۲۰۱۶	۲۰	تانزانیا	۱۱/۵۹	۲۰۱۶

منبع: درمورد ایران میانگین نرخ تعرفه ایران از جدول تعرفه‌های ملی مندرج در کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۶ محاسبه و درمورد سایر کشورها از اطلاعات و داده‌های منبع زیر استفاده شده است:

International Trade and Market Access Data, WTO.ORG:

<https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/statis_bis_e.htm>.

جدول ۴. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته

بخش ۱. نتایج آزمون ریشه واحد برای حالت با عرض از مبدأ				متغیرها
حالت تفاضل مرتبه اول		حالت سطح		
ارزش احتمال	آماره ADF	ارزش احتمال	آماره ADF	
۰/۰۰۰	-۵/۷۴۴	۰/۰۴۹	-۲/۹۲۹	واردات
۰/۰۰۰	-۷/۶۲۵	۰/۲۰۵	-۲/۲۱۲	نرخ تعرفه
۰/۰۰۰	-۷/۰۹۴	۰/۹۴۹	-۰/۰۴۵	نرخ ارز غیررسمی
۰/۰۰۰	-۵/۶۹۰	۰/۹۸۹	۰/۶۳۳	شاخص قیمت نسبی واردات
۰/۰۰۲	-۴/۱۴۷	۰/۲۴۵	-۲/۱۰۳	GDP واقعی
بخش ۲. نتایج آزمون ریشه واحد برای حالت با عرض از مبدأ و روند زمانی				متغیرها
حالت تفاضل مرتبه اول		حالت سطح		
ارزش احتمال	آماره ADF	ارزش احتمال	آماره ADF	
۰/۰۰۰	-۵/۸۶۵	۰/۳۱۴۵	-۲/۵۲۶۹	واردات
۰/۰۰۰	-۷/۶۲۴	۰/۰۳۱۶	-۳/۶۸۹	نرخ تعرفه
۰/۰۰۰	-۷/۲۰۷	۰/۵۵۶۷	-۲/۰۵۸۲	نرخ ارز غیررسمی
۰/۰۰۰	-۵/۸۴۷	۰/۵۵۸۳	-۲/۰۵۴۹	شاخص قیمت نسبی واردات
۰/۰۰۰	-۴/۲۲۳	۰/۱۸۸۱	-۲/۸۴۶۲	GDP واقعی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. نتایج آماره F باند برای آزمون فرضیه عدم وجود هم‌جمعی (رابطه بلندمدت) بین متغیرهای تحقیق

آزمون	مقدار آماره	مقادیر بحرانی برای آزمون فرضیه عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحقیق						
		سطح معناداری	حجم نمونه ۱۰۰۰ مشاهده		حجم نمونه ۵۵ مشاهده		حجم نمونه ۵۰ مشاهده	
			تمامی متغیرها I(0) باشند	تمامی متغیرها I(1) باشند	تمامی متغیرها I(0) باشند	تمامی متغیرها I(1) باشند	تمامی متغیرها I(0) باشند	تمامی متغیرها I(1) باشند
آماره آزمون F	۴/۸۷۵	٪۱۰	۲/۴۵۰	۳/۵۲۰	۲/۵۷۸	۳/۷۱	۲/۶۱۴	۳/۷۴۶
تعداد متغیر توضیحی	۴	٪۵	۲/۸۶۰	۴/۰۱۰	۳/۰۶۸	۴/۳۳۴	۳/۱۳۶	۴/۴۱۶
تعداد مشاهدات	۵۱	٪۱	۳/۲۵۰	۴/۴۹۰	۴/۲۴۴	۵/۷۲۶	۴/۳۰۶	۵/۸۷۴

منبع: یافته‌های تحقیق

تأثیر موانع تعرفه‌های گمرکی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات کشور ... ۱۶۳

جدول ۶. نتایج تخمین ضرایب بلندمدت و کوتاه‌مدت

بخش الف: ضرایب بلندمدت				
متغیر توضیحی	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	ارزش احتمال
LGDP	1/793	0/190	9/422	0/000
LNOFEXR	-0/142	0/047	-3/046	0/005
LRIP	-0/461	0/172	-2/680	0/011
LTAR	-0/154	0/312	-0/495	0/624
بخش ب: ضرایب کوتاه‌مدت				
متغیر توضیحی	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	ارزش احتمال
C	-4/933	0/974	-5/062	0/000
D(LGDP)	0/305	0/316	0/964	0/342
D(LGDP(-1))	-0/091	0/349	-0/260	0/797
D(LGDP(-2))	0/122	0/323	0/379	0/707
D(LGDP(-3))	-1/633	0/341	-4/791	0/000
D(LNOFEXR)	-0/824	0/184	-4/490	0/000
D(LNOFEXR(-1))	0/322	0/194	1/658	0/107
D(LNOFEXR(-2))	0/119	0/217	0/548	0/587
D(LNOFEXR(-3))	-0/492	0/185	-2/668	0/012
D(LRIP)	-0/590	0/170	-3/477	0/001
D(LRIP(-1))	0/511	0/158	3/230	0/003
D(LRIP(-2))	0/453	0/171	2/647	0/012
D(LTAR)	-0/357	0/094	-3/813	0/001
CointEq(-1)*	-0/449	0/086	-5/228	0/000
بخش ج: آزمون‌های تصریح				
ضریب تعیین	۰/۷۳۰			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۳۵			
آزمون ناهمسانی واریانس به روش پاگان (ارزش احتمال)	۱/۲۴۴	۰/۲۸۷		
آزمون خودهم‌بستگی LM (ارزش احتمال)	۰/۹۵۵	۰/۳۹۶		
آزمون درستی فرم تبعی مدل Ramsey (ارزش احتمال)	۰/۹۷۴	۰/۳۳۱		
آزمون نرمال بودن جمله خطا جاکوبرا (ارزش احتمال)	۰/۲۸۲	۰/۸۶۸		

منبع: یافته‌ها و محاسبات تحقیق

پی‌نوشت‌ها

۱. برای جزئیات بیشتر، بنگرید به Business 2018.
۲. برای جزئیات بیشتر در خصوص سیاست‌های غیرتعرفه‌ای، بنگرید به زاهدطلبان ۱۳۹۴.
۳. نمودار آن در مستندات تحقیق موجود است که به دلیل محدودیت صفحات از ارائه آن در مقاله خودداری شد.
۴. برای جزئیات بیشتر در این مورد، بنگرید به: زاهدطلبان ۱۳۸۵.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، نسرين، کریم آذربایجانی، و سیدکمیل طیبی (۱۳۹۳)، «اثرات موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر تجارت صنعتی ایران با استفاده از مدل تصحیح خطا»، *نشریه مدل‌سازی اقتصادسنجی*، س ۱، ش ۳.
- ابریشمی، حمید و دیگران (۱۳۸۵)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ش ۴۰.
- بیدآباد، بیژن (۱۳۷۶)، «الگوی اقتصادسنجی کلان ایران»، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- پورمقیم، سیدجواد (۱۳۷۹)، «برآورد سری زمانی تابع تقاضای واردات ایران: یک تحلیل مجدد»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۵۶.
- تشکینی، احمد و علیرضا باستانی (۱۳۸۵)، «تخمین تابع تقاضای واردات برای اقتصاد ایران (۱۳۳۸-۱۳۸۲)»، فصل‌نامه پژوهش‌های بازرگانی، ش ۴۰.
- زاهدطلبان، علی (۱۳۸۵)، «تحول در سیاست تجاری ایران: حرکت به سمت حاکم‌کردن ابزارهای تعرفه‌ای»، فصل‌نامه پژوهش‌های تجارت جهانی، ش ۲ و ۳.
- زاهدطلبان، علی (۱۳۹۴)، «گزارش پشتیبان و احکام مربوط به سیاست‌های غیرتعرفه‌ای ایران برای درج در برنامه پنج‌ساله ششم»، مرکز اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- صالحیان صالحی‌نژاد، زهرا، حسن حیدری، و حسن سلیمان فیضی (۱۳۹۳)، «تحلیل واکنش تراز تجاری ایران نسبت به تغییرات نرخ ارز با استفاده از رویکرد پارامتر زمان متغیر»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، س ۱۴، ش ۵۴.
- کروگمن، پاول (۱۳۷۷)، *سیاست استراتژیک تجاری*، ترجمه احمد اخوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- لطفعلی‌پور، محمدرضا، اکرم زین‌البیان، و نازگل اشرفی (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر کاهش موانع تعرفه‌ای بر واردات کل کالا در ایران با استفاده از مدل ARDL»، فصل‌نامه *راهبرد اقتصادی*، س ۱، ش ۳.
- محسنی، رضا (۱۳۸۵)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر تقاضای واردات در ایران: مطالعه کالایی»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ش ۴۱.
- مقررات صادرات و واردات*، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، سال‌های مختلف.

- Arize, A. C. and S. Nippani (2010), "Import Demand Behavior in Africa", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, vol. 50, no. 3.
- Chris, Jones (2008), "Aggregate and Sector Import Price Elasticities for a Sample of African Countries, Centre for Research in Economic Development and International Trade", *University of Nottingham*, CREDIT Research Paper, no. 08/03.
- Dean, J. M. et al. (1994), "Trade Policy Reform in Developing Countries Since 1985: A Review of the Evidence", World Bank Discussion Papers 267.
- Dutta, D. and N. Ahmed (2001), "An Aggregate Import Demand Function for India: A Cointegration Analysis", Working Paper, The University of Sydney.
- Graff, V. J. (1949), "On Optimum Tariff Structures", *Review of Economic Studies*, vol. 1.
- Greenaway, D., Wyn Morgan, and Peter Wright (2002), "Trade Liberalisation and Growth in Developing Countries", *Journal of Development Economics*, vol. 67, issue 1.
- Hoque, M. H. and Z. Yusop (2010), "Impacts of Trade Liberalisation on Aggregate Import in Bangladesh: An ARDL Bounds Test Approach", *Journal of Asian Economics*, vol. 21: <https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/statis_bis_e.htm>.
- Houthakker, H. S. and S. P. Magee (1969), "Income and Price Elasticities in World Trade", *Review of Economics and Statistics*, vol. 51, no. 2, doi:10.2307/1926720.
- International Trade and Market Access Data, WTO.ORG
- Kaldor, N. (1940), "A Note on Tariffs and the Terms of Trade", *Economica*, vol. 7.
- Khan, M. S. (1974), "Import and Export Demand in Developing Countries", *IMF Staff Paper*, vol. 3.
- Khan, M. S. and R. Zahler (1985), "Trade and Financial Liberalisation Given External Shocks and Inconsistent Domestic Policies", *IMF Staff Papers*.
- Lee, Jong-Wa (1993), "International Trade, Distortions, and Long-Run Economic Growth", IMF Working Paper.
- Samuel, G. M. (2015), "Trade Liberalization and Disaggregated Import Demand in Uganda", *Modern Economy*, 6: <<http://dx.doi.org/10.4236/me.2015.63030>>.
- Santos-Paulino, A. U. (2002), "The Effect of Trade Liberalization on Imports in Selected Developing Countries", *World Development*, vol. 30.
- TARIFF PROFILE 2017 & 2016, WTO. ORG.
- World Bank, Doing Business 2018.